

## هفتمین دوره ' طرح اعطای جایزه جهانی کتاب سال

مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار اطلاعیه فراخوان هفتمین دوره «طرح اعطای جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» از تمامی پژوهشگران و صاحب نظران خواست تا با معرفی کتابهای ارزشمند در دو حوزه مطالعات اسلامی و مطالعات ایرانی هیأت داوران این طرح را در شناسایی و ارزیابی جامعتر و دقیقتر یاری رسانند.

در خور ذکر است که این مرکز از سال ۱۳۷۲ تاکنون، شش دوره این طرح را برگزار کرده است. براساس این طرح، همه ساله، کتابهایی که برای اولین بار در طی سال قبل از آن در دو حوزه مذکور، در کشورهای مختلف بجز ایران و به زبانهای مختلف چاپ و منتشر شده‌اند بررسی می‌شوند و به پدیدآورندگان کتابهای برگزیده لوح تقدیر رئیس جمهوری اسلامی ایران و جوایز ارزنده‌ای اعطا خواهد شد.

مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزاری هفتمین دوره اعطای جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را به آگاهی می‌رساند.

براساس این طرح، همه ساله، کتابهایی که در طی سال قبل از آن در دو حوزه مطالعات اسلامی و مطالعات ایرانی به زبانهای گوناگون و در کشورهای مختلف، بجز ایران، برای اولین بار چاپ و منتشر شده‌اند بررسی می‌شود و به پدیدآورندگان کتابهای ممتاز، در مراسمی که در ایام دهه فجر انقلاب اسلامی برپا می‌گردد، لوح تقدیر ریاست جمهوری و جایزه‌ای نفیسی اعطا می‌شود. هدف از این طرح، شناسایی و معرفی کتابهای ارزنده منتشر شده در موضوعات یاد شده است.

تاکنون شش دوره از این طرح با موفقیت برگزار شده است. در هفتمین دوره، کتابهای چاپ اول سال ۱۳۱۹ هـ / ۱۹۹۸م. بررسی خواهد شد.

موجب امتنان است که دعوت ما را برای شرکت و همکاری در این طرح بزرگ فرهنگی پذیرا شوید و با معرفی و ارسال کتابهای ارزنده پیشنهادی خود در دو موضوع مذکور (حد اکثر تا اول آذر ماه سال جاری) هیأت داوران را در قضاوت جامعتر و دقیقتر یاری فرمایید. با اشتیاق منتظر دریافت پاسخ هر چه زودتر شما هستیم.

مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی (دبیرخانه جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران) معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشانی: تهران، الهیه، شرق باغ روسیه، شماره ۳۷، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۶۴۱۵ تلفن: ۱ - ۲۰۰۱۴۹۰، دورنگار: ۲۶۳۵۳۱

## تصحیح و توضیح

به انگیزه چاپ و انتشار کتاب شمارالقلوب با دکتر رضا انزبایی نژاد گفت‌وگویی کردیم که در شماره ۱۹ کتاب ماه ادبیات و فلسفه چاپ شد ضمن پوزش از استاد به دلیل جابه‌جایی بخش پایانی سئوالها و پاسخ‌ها، این بخش مجدداً تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد

□ از زمان ترجمه کتاب خاطره‌ای در نظر دارید، مثلاً نکته‌ای را دریافته باشید که برایتان بسیار جالب توجه بوده...؟

■ - یک خاطره عمومی دارم و یک خاطره ویژه این کتاب.

خاطره عمومی مربوط می‌شود به ویژگی کار معلمی من و اینکه چشم بیشتر از آنکه ناظر به زندگی شخصی و خانواده‌ام باشد انیس کتاب و کاغذ است و انگشتانم بیش از آنچه به گشودن گره‌های زندگی داخلی من به کار آیند، مرکوب مداد و قلم شده و بدین گونه اقرار می‌کنم که در حق کسانی ظلم می‌کنم، می‌دانید ظلم مقابل عدل است و عدل یا تعادل هم خانواده است، هرگاه دو کفه ترازو از تعادل بگردید و هر عملی که از حد اعتدال بیرون رفت به حریم ظلم می‌رسد. پس من چنان می‌انگارم که همواره نسبت به اعضای خانواده‌ام ستم کرده‌ام و بنابر این همسر و فرزندانم، - و حتی گاه دوستان - حق دارند که گهگاهی، و گاهی یکسره غرولند بکنند و... این ستم من و غرولندهای خانواده خاطره عام و عمومی است، اما خاطره خاص:

سالها پیش دوستی که معلم و محقق تاریخ بود «مروان حمار» را مروان حکار تلفظ کرد، گفتم: «به گمانم مروان حمار باشد، چه می‌دانم، شاید برادر رضاعی دراز گوش بوده!» گفتم مگر می‌شود خلیفه‌ای را لقب «حمار» داد، من نه قانع شدم و نه توانستم مدعی را قانع کنم. در ترجمه «شمارالقلوب» چون رسیدم به مدخل «سنة الحمار» دیدم از این مدخل بوی آشنا می‌آید! شرح آن را عیناً می‌آورم:

«سنة الحمار. عرب به صدمین سال از تاریخ، سال الاغ گویند. واصل آن به داستان خر عزیر بر می‌گردد و مرگ او و صاحبش که پس از صد سال خداوند هر دورا زنده گردانید، چنان که در قرآن آمده: «فاماته الله مائة عام...» (سوره بقره، آیه ۲۵۹) و به مروان ابن محمد نیز از آن روی «مروان حمار» می‌گفتند که با وی حکمرانی بنی مروان به صد سال رسید، از آن پس همواره به سال صدم سال حمار گفتند.»

اقرار می‌کنم که هرگز از دیدن این حیوان رام و نجیب و نام وی این قدر شادمان نشده بودم! به ده جا تلفن کردم تا نشانی یا تلفن آن دوست محقق را پیدا کنم. سر انجام دوست بذله گوئی گفت هیچ نامه بر و پیغام رسانی به او دسترسی ندارد، مگر که نامه و پیغامت را خود ببری! دانستم که آن معلم تاریخ چند سال پیش به رحمت خدا پیوسته.

□ - مقدمه این کتاب نیز چون دیگر آثار تان، مقدمه‌ای

کوتاه، شیرین و جذاب دارد، دلیل خاصی دارد که این اندازه به زیبایی ساختار کلام در مقدمه کارهایتان، که گاهی به هنجار گریزی زبانی هم می‌رسد، اهمیت می‌دهید؟

■ - تشکر می‌کنم، و از این عبارت شما نفهمیدم اندرونه سخن تان ستایش است یا نکوهش، و نمی‌دانم به جهت این عبارت به خود بیالم یا سر به زیر افکنم. من در پیشگفتار یکی دو اثری که نوشته‌ام، از جمله در الرائد - در واقع از خود بیخود می‌شوم، اقرار می‌کنم که هم آن پیش سخن، و هم این یکی از جنبه علمی تهی و از صورت تحقیق بدور است. من از این روی احساس شرم و غبن نمی‌کنم، در این دو مقدمه من از دل فرمان برده‌ام نه از مغز.

□ - به نظر شما مشکل اصلی قریب به اتفاق مترجمان ما چیست؟ چرا کمتر مترجم صاحب نام و برجسته‌ای در میان مترجمان کشور می‌بینیم.

■ - من این پرسش شما را درست نمی‌فهمم، مترجمان یک مجموعه به هم پیوسته و یک پارچه نیستند مثل صنف ناشران یا ابزار فروشان... کسی که به دو زبان آشنایی کامل داشته باشد و به موضوع کتابی که به دست می‌گیرد نیز، مترجم است. یکی می‌تواند به هر جهتی که بنگرید مشکلی داشته باشد، و دیگری دو سه مشکل، و سومی هیچ مشکلی. اما درباره لخت اخیر پرسشتان، باز من با شما هم سخن نیستم، در کشور ما، مترجمان چیره‌دستی هستند. ما از گذشته‌ها فولادروحانی و احمد آرام را داریم و... از نسل پس از این بزرگان، مترجمان چیره‌ای چون نجف دریابندری، عبدالله توکل، عزت الله فولادوند، حمید عنایت، پرویز داریوش، ابراهیم یونسی، ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی، کریم امامی، عبدالمحمد آیتی، چه بگویم، در پهنه رمان زنده یاد محمد قاضی، به آذین، شاملو که در «پایرهنه‌ها» معجزه کرده، از نسل جوانتر: جلال ستاری، غیاثی، صنعوی، غبرایی، لیلی گلستان، نازی عظیمیا... را.

□ - در زمینه ترجمه یا تالیف چه کارهایی را در دست انجام دارید؟

■ - من آن سخن مثلی را باور ندارم که «خواستن توانستن است» زیرا از سالها پیش «کتاب الحیوان» دمیری را که دایرةالمعارف عظیم جانورشناسی است بویژه از نظر احتوا بر اعتقادات عامیانه، در دست ترجمه دارم و از چهار مجلد جلد نخست را به پایان برده‌ام، اما «بدا»هایی پیش آمده، بعضی خوب و بعضی ناخوب، که کار معوق مانده. امیدوارم توفیق دستم بدهد تا آن را دنبال کنم. عجلتاً درگیر پارسی گردانی «معجم البلدان» یا قوت حموی هستیم - فعل را جمع بستم، زیرا این ترجمه را - که کار عظیم و حجیم است - با دوست فاضلم آقای سیدمحمد روحانی بالمناصفه به گردن گرفته‌ایم و هر یک، یک جلد را به پایان برده‌ایم و به دست ناشر سپرده‌ایم. دنبال‌گیری و پایان کار در گرو توفیق است و فراغ بال - گر خدا خواهد.